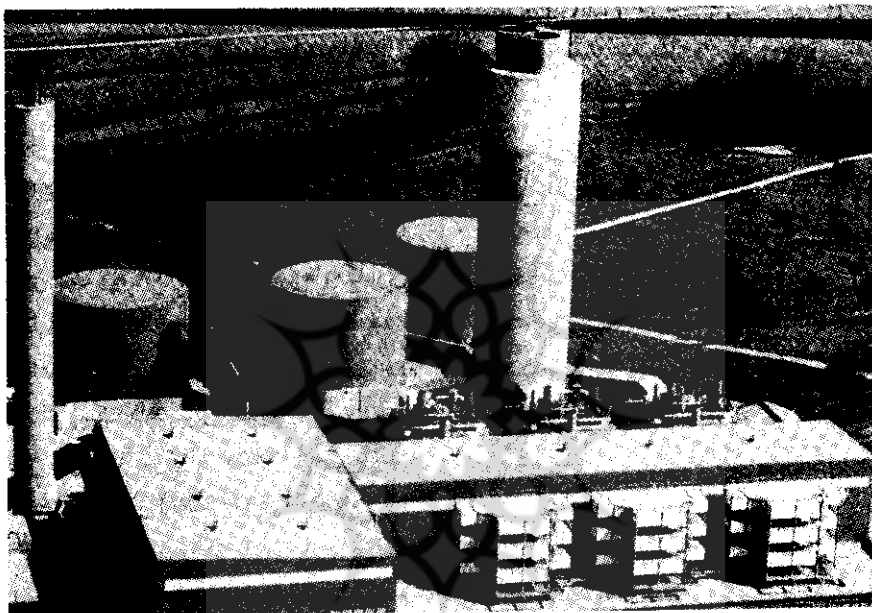


توسعه اقتصادی و محیط‌زیست

دو دوست یا دو دشمن؟

ترجمه مرتضی کاظمی یزدی



درصد از زمینهای زیر پوشش گیاهان در این ناحیه به دلیل خیس خوردگی در آبهای هرز صنعتی و فاضلابها و یا فرسایش ناشی از

چرای بی‌رویه دامها، در میزانی بالاتر از میانگین جهانی، دچار تخریبی جدی شده است، و ۵۰ تا ۷۰ درصد از سواحل و کرانه‌های حمایت شده و یا قرق، به لحاظ گونه‌های زیستی^۲ به نواحی در معرض خطر شدید^۳ بدل شده و طبقه‌بندی می‌شوند. به راستی که این ناحیه از جهان، شدیدترین درجه در تخریب جنگلها^۴ را شاهد بوده است.

اما پند خوبی که می‌توان از همه اینها آموخت اینکه رشد و پیشرفت سریع اگرچه کمک بزرگی در کاهش فقر شمرده می‌شود لیکن به شرط آنکه برخی اقدامات اساسی^۵ و مهم و مشخص در کنار آن گرفته شود. این سیاستها در شرق آسیا با سرمایه‌گذاریهای عمده و موثری در زمینه‌های آموزش و

می‌کنند، طبق برآوردها تا حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد کاهش یافته است و چنانچه از مدتی جلوتر هم نگاه شود، کشورهایی چون هنگ‌کنگ، ژاپن، کره، سنگاپور، و تایوان^۱ به دستاوردهای بس بزرگ اقتصادی نایل شده‌اند که قبلاً هیچ سابقه نداشته است. در یک دهه و نیم گذشته، کشور چین به نرخ بالایی از رشد و کاهش چشمگیری در فقر دست یافته است.

در عین حال تمام اینها با خسارتهای فراوان زیست‌محیطی برای این کشورها همراه و همزمان بوده است که از بسیاری جهات نسبت به سایر نواحی جهان شدیدتر بوده است. برای مثال ۹ شهر از مجموع ۱۵ کلان‌شهر این ناحیه از جهان، بالاترین درجه آلودگی هوا را نیز داشته‌اند و نیز حدود ۲۰

اقتصاد کشورهای نوصتعی درصد بالای رشد و در عین حال کاهش فقر را در این کشورها نشان داده است. لیکن باید

دید به چه بهایی؟ پاسخ این است که البته با آسیبهای بسیار سختی بر محیط‌زیست نیز همراه بوده است. این تجربه همچنین حاکی از آن است که تلاشهای در راه توسعه و پیشرفت، باید با کوششهای دیگری در جهت حفظ و حراست از محیط‌زیست همراه و مقرون شود تا واقعاً مفید و سودمند واقع شود.

نرخ رشد اقتصادی کشورهای ناحیه جنوب شرق و شرق آسیا مثل اندونزی، مالزی، سنگاپور و نیز تایلند در بیست و پنج سال گذشته، به حدود ۵ درصد بالغ شده و بهبود رفاه اقتصادی جامعه به‌طور بی‌سابقه‌ای بالا رفته است. در کشورهای اندونزی، مالزی و تایلند، شماری از جمعیت که زیر خط فقر زندگی کرده و یا

پرورش و ارتقای نسبتاً کافی در درآمد خانوارها و خلاصه با توزیع عادلانه داراییها و ثروت و نیز گرایش به اقتصاد صادراتی کارطلب^۶ و تاکید بر توسعه کشاورزی همراه بوده است. اما پند دیگری که می توان آموخت؛ اینکه این درجه از رشد و پیشرفت سریع، طبعاً ممکن است به بهای تخریب در محیط زیست به دست آید. در اینجا است که جنبه ای منفی در رشد و توسعه نمود می یابد. اما رشد و پیشرفت به

رشد و پیشرفت به خودی خود نمی تواند ضامن حفظ و بهبود در محیط زیست گردد، مگر اینکه به طور ارادی و فعالانه با سیاستهای زیست محیطی همراه و قرین شده باشد.

خودی خود نمی تواند ضامن حفظ و بهبود در محیط زیست گردد، مگر اینکه به طور ارادی و فعالانه با سیاستهای زیست محیطی همراه و قرین شده باشد. در بسیاری از سیاستهای تشویقی رشد و توسعه لازم است ابتدا به روشن ساختن مسئله حقوق مالکانه^۷، زمینه سازی در سرمایه گذاریهای بهداشت محیط^۸، بهبود آموزش (به ویژه برای زنان و دختران) و سیاستهای صحیح اقتصادی به منظور پیشرفت در استفاده از منابع طبیعی و مشارکت عمومی در تامین محیط زیستی سالم کوشید و اطمینان حاصل نمود. اما در برخی مسائل مهم و از جمله در کنترل آلودگی محیط زیست و استفاده بهینه از جنگلها، اقدامات زیست محیطی سودمندی مثلاً با وضع مالیاتها و تدوین استانداردهای ضروری و سرمایه گذاری در تکنولوژی و بهبود شیوه های تولید و بازیافت^۹ مواد می توان کوشید. کشورهای با رشد اقتصادی سریع این امور را خیلی سخت آموخته اند و برخی کشورهای دیگر نیز در برداشتن گامهای اصلاحی هم اکنون حرکتهایی را شروع کرده اند.

در اینجا شاید بهتر باشد توجه خود را به منطقه آمریکای مرکزی معطوف کنیم. چرا که این کشورها طی دهه های اخیر به دلایل اقتصادی، و سیاسی - اجتماعی زیادی شاهد درصد رشد کمتری شده اند. اگر چه توان بالقوه آنها برای توسعه و پیشرفت پایدار در جای خود محفوظ است البته باید کشور کاستاریکا را از این مجموعه جدا کرد و مستثنا ساخت، چرا که تجربه ای خوب در تقویت بنیانهای پیشرفت مادی و

بشری یافته است. اما به طور کلی، اقتصاد کشورهای آمریکای مرکزی که نوعاً با صادرات سنتی معروف و مشخص شده است، اینک به لحاظ مقتضیات جدید تجارت جهانی دچار کاهش و رکود بی سابقه ای شده است. علت آن هم نابرابری شدید در توزیع درآمد و سرمایه گذاری ناکافی در امر آموزش بوده و همه آن باز هم به دلایل علت و معلولی متقابل به طرف بی ثباتی سیاسی بیشتر، شدت هم یافته است. در اینجا باز هم باید کشور کاستاریکا را مستثنا شمرد. نظر به پایین بودن درصد رشد این کشورها، سطح فقر همچنان و سرسختانه بالا باقی مانده است

وقتی که به مسئله محیط زیست به طور عمیق و ریشه ای نگاه کنیم، خواهیم دید که به ذخایر طبیعی (مثل جنگل، آب و هوا، و غیره) ارزش و بهای لازم داده نشده است.

و همچون بقیه مناطق با نرخ رشد پایین، کیفیت محیط زیست^{۱۰} نیز بسیار تنزل یافته است. نواحی زیادی با تخریب وسیع در جنگلها^{۱۱}، فرسایش زمین^{۱۲}، صید بی رویه^{۱۳}، آلودگی آبها^{۱۴} در سواحل

رو به رو بوده است. تجربه کشورهای شرق آسیا و آمریکای مرکزی، یکی با رشد بالا و دیگری با رشد اقتصادی پایین، هر دو نشان داده است که به تنزل شرایط زیست محیطی سختی دچارند. اما سوالی که در اینجا می توان مطرح نمود، اینکه شاید بتوان بی توجه به درجه پیشرفت، اما به کمک انتخاب اولویتهای سیاستی درست، به حفاظت محیط زیست کمک کرد و آن را تقویت نمود.

از سوی دیگر سودمندی رشد و پیشرفت را فقط به لحاظ نقشی که در تخریب محیط زیست ممکن است داشته باشد، نمی توان منکر شد. اما به هر حال رشد سریع و بی رویه در این راستا در واقع باعث و موجب مشکل گردیده است نه پیشرفت موزون و متعادل. وقتی که به مسئله محیط زیست به طور عمیق و ریشه ای نگاه کنیم، خواهیم دید که به ذخایر طبیعی (مثل جنگل، آب و هوا، و غیره) ارزش و بهای لازم داده نشده است^{۱۵}، و یا نهادهای مسئول بسیار ضعیف عمل کرده اند، و نیز حقوق مالکانه در این کشورها به وضوح تعریف نشده^{۱۶} و به نحو کافی مشخص نشده اند. بنابراین به نظر می رسد رشد

سریع و بی رویه در اقتصاد آثار مثبت خود را از دست داده باشد و به صورتی مسنفی مشکل را تشدید کرده است. با این وصف، رشد اقتصادی و درآمد بالا می توانند از تخریب در محیط زیست

جلوگیری کرده و استفاده از منابع و ذخایر را بهبود بخشند، و چنانچه با اقدامات پیشگیرانه بموقعی در محیط زیست همراه شوند نیز بسیار سودمند و ثمربخش خواهند شد.

اول رشد و توسعه، سپس پاکسازی محیط‌زیست!!

اخیراً هزینه‌های انسانی و اکولوژیک در مسئله تخریب محیط‌زیست به‌نحو گسترده‌تری مطالعه می‌شوند. در بسیاری مناطق شواهد قانع‌کننده‌ای از پیدایش دستاوردهای عظیم اقتصادی - اجتماعی همراه با اقدامات پیشگیرانه زیست‌محیطی دیده

می‌شود. اما در عین حال، باز هم باید اقدامات زیست‌محیطی را ناکافی دانست. در این خصوص فرهنگ جوامع دلیل اصلی و عمده‌ای را مطرح می‌کند. بنابر یک باور قدیمی و سنتی همواره بین آنچه به‌حال یک جامعه و جمعیت سودمند و مفید، و آنچه به‌حال یک فرد یا یک موسسه در بخش خصوصی سودآور و مفید شناخته شده، تفاوت چشمگیری دیده می‌شود، که عموماً در این جوامع اولی را فدای دومی کرده و می‌کنند. حال چنانچه این موضوع در یک طرف قضیه یا مشکل قرار گیرد و طرف دیگر آن با موضوع فقدان و نایابی و کمیابی در ذخایر و منابع طبیعی و ثروت به معنی عام آن و در سطح کشورهای کم‌درآمد و کمتر پیشرفته برابر گردیده، سپس با هم مقایسه و سنجیده شوند، خیلی زود ممکن است این نتیجه گرفته شود که بنابراین اول رشد و توسعه اقتصادی را مدنظر قرار دهیم، سپس به پاکسازی در محیط‌زیست بکوشیم، درست همان‌طور که در تمام دنیا نیز چنین است!

تجربه‌ای که از چنین فراخوان نادرستی پرده برمی‌دارد، مسئله انباشت آلودگی‌هاست. انباشت آلودگی‌های محیط‌زیست که بعداً باید پاکسازی شوند چنان زیانبار و به لحاظ اجتماعی چنان گرانبار است که شاید رشد

اقتصادی و ثبات سیاسی را هم برهم زده و به خطر اندازد. به‌علاوه امکاناتی که اینک در دست نهادها، و تکنولوژی پیشرفته‌ای که در شیوه‌های نوین تولید و نیز در گرد آوردن

سرمایه‌های کلان با سرمایه‌گذارهای مشترک پدید آمده، فرصتهای بیشماری در رشد و توسعه اقتصادی توأم با حمایت و حفاظت از محیط‌زیست را ممکن ساخته‌اند، که

به خودی خود موضوع انباشت را کلاً مردود و نادرست می‌کند. چرا که این دو آماج، یعنی توسعه اقتصادی و حفظ محیط‌زیست آن‌چنانکه بنظر می‌رسد نه مانعة‌الجمع هستند نه غیرممکن، که یکی را باید فدای دیگری کنیم. بلکه اینک دولت‌ها و بخش خصوصی راههای زیادی در تامین هر دو هدف تجربه کرده و پیموده‌اند که برای دیگران هم پیمودنی است.

هزینه و بهای بسیار گرانتر پاکسازیهای بعدی

خسارت‌های محیط‌زیست غالباً بسیار جبران‌ناپذیرند و پاکسازیهای بعدی نیز آسیبهای شدید در پهنشدت گستره‌های ارضی وسیع و اعماق ژرف آنها ناشی از تخریب محیط‌زیست پدید می‌آورد، از

این‌رو در چرخه زیستی، پیشنهاد پاکسازیهای بعدی توصیه درستی شمرده نمی‌شود.

شیوه‌های نادرست و ناسالم صید ماهی در مناطق عمده‌ای از سواحل مرجانی^{۱۷}

دریاها، تخریب فراوانی در محیط‌زیست پدید آورده‌اند، چرا که $\frac{1}{4}$ از کلیه گونه‌های آبزیان در چرخه زیستی سواحل مرجانی زندگی می‌کنند، و با فقدان و یا آسیب برحیات این گستره وسیع با صید بی‌رویه و کشتار زیست‌مندان و جانداران بی‌شمار آنها، حیات گیاهی و حیوانی در سطح اقیانوسها هم به‌خطر افتاده، که بازیافت همه این ضایعات به‌طور کامل هیچ ممکن نمی‌گردد. ولی کوششها در جهت چاره‌جویی حول محور حفاظت از محیط‌زیست چنانچه در سطح جهان امکانپذیر شود باید که پیش از وقوع خسارت‌های عظیم، بر پیشگیری از وقوعشان متمرکز گردد.

آلودگی در محیط‌زیست باعث هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای برای جبران آنهاست، و نیز در زمینه حفظ بهیشتی و سلامتی عمومی هزینه‌های بیشتری به دنبال می‌آورد. به‌ویژه وقتی با وقفه و تاخیر در برنامه‌های کنترل آلودگی نیز آمیخته باشند. شواهد زیادی از حوادثی که وسیعاً رخ داده و آثار مخربی به‌بار آورده‌اند را می‌توان مثال زد که گفتگو و بحث فراوانی را هم پدید آورده‌اند. از جمله مسمومیت‌های جیوه‌ای ناشی از

تولیدات کارخانه میناماتا^{۱۸} در ژاپن که سبب بروز عوارض روانی بسیار سختی شده است و در سالهای میانه دهه ۱۹۵۰ میلادی بیماری خاصی معروف به همین نام برای اهالی ساکن

نواحی مذکور پدید آورد؛ و یا انتشار مواد سمی در نتیجه واقعه دلخراش بوپال^{۱۹} در کشور هند که در سال ۱۹۸۴ میلادی روی داد، و باعث بروز بیماریهای بسیار سخت و حتی مرگ عدده زیادی از مردم بی‌گناه ناحیه

آلودگی در محیط‌زیست باعث هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای برای جبران آنهاست، و نیز در زمینه حفظ بهیشتی و سلامتی عمومی هزینه‌های بیشتری به دنبال می‌آورد.

ریخت و پاش و با ضایعات بسیار کمتر، از دیدگاه حفظ محیط‌زیست، می‌توان از منابع طبیعی، درآمد خوبی هم برای دولت به دست آورد، که ضمن سایر کوششها، آثار منفی پرداخت مالیات را نیز تخفیف دهد. برای مثال، در کشور تایلند توانسته‌اند با ده درصد مالیات بر مصرف زغال‌سنگ و زغال چوب در صنایع، یک تا دو درصد درآمد اضافی برای دولت فراهم کنند. چنین هزینه اضافی به شکل مالیات معمولاً از منابع بهزیستی و سلامتی عمومی که به بار می‌آورد بسیار کمتر است.

حفظ محیط‌زیست فی‌نفسه عمل نیک و درستی است

در سطح اقتصاد کلان، میان توان کشور و محیط‌زیست آن رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. از جهتی آزادی تجارت و پیشه بدون هیچ محدودیت یا حدود و ثغوری و بی‌هیچ سیاست معقول و منطقی و خط مشی پیشگیری از وقوع آسیب و زیان بر محیط‌زیست

می‌تواند آثار کاملاً مخرب و دهشتناکی داشته باشد که تا پایان علاج ناپذیر باقی بماند. قیمتهای بالا و گران‌فراورده‌های جنگلی که از آزادی تجارت الهام می‌گیرد، چنانچه با وضوح و روشنی کافی بر حقوق مالکانه^{۲۴} و امتیاز قطع اشجار

جنگلی^{۲۵} توام و همراه نگردد، قطعاً به تخریب و نابودی وسیع در سطح جنگلها و فضاهای سبز کشورها منجر می‌گردد. از جهت دیگر، آزادی تجارت در عین حال که می‌تواند اصول و ضوابط

و سپس چند سال بعد هنگام کاهش حاصلخیزی خاک و کاهش برداشت، آنها را موقتاً رها کرد تا دوباره به‌طور طبیعی حاصلخیز شوند. بهمین ترتیب در پاره‌ای از نواحی آمریکای لاتین، جنگل را دیگر تنها

به لحاظ ارزش اجتماعی و نه ارزش اقتصادی، به اراضی زیر کشت بدل نمی‌کنند. چرا که در نهایت با تبدیل آنها به اراضی زیرکشت اگرچه موقتاً سودآور می‌شوند، لیکن سرانجام با این کار به

چرخه حیات آسیب زده و بازدهی منفی بیار می‌آورند. در بسیاری موارد حتی می‌توان منابع طبیعی را با کاربردهای گوناگون و متنوع همچنان حفظ کرد و از آنها هم درآمد بیشتری تحصیل نمود و هم به حفاظت از آنها توفیق یافت. یا مثلاً اداره جنگلهای

گرمسیری را با کاربردهای متنوع تصدی کرد تا بتوان عرضه محصولات غیرچوبی^{۲۱} در کنار حفاظت از جنگلها و آب و خاک، و گونه‌گونی بیولوژیکی و سایر اشکال زیست‌محیطی و نیز با استحصال از فراورده‌های چوبی، به بازده اجتماعی و درآمد بالا دست یافت و رسید.

تحصیل درآمد با وضع مالیات بر آلودگیها^{۲۲} و تشویق استخراج و برداشت آهسته‌تر^{۲۳} و بدون

گردید را می‌توان برشمرد. باز هم شواهد بسیار زیادی از وقوع جنگل‌های منطقه‌ای با کاربرد جنگل‌افزارهای شیمیایی بسیار خطرناک کشتار جمعی، و از جمله کشور ما در جریان جنگ تحمیلی می‌توان مثال زد

که هنوز هم در بسیاری جاهای دیگر نمونه چنین جنگل‌ها دیده می‌شود. اینها شواهد بسیار کم و محدود خطراتی است که ناخواسته گریبانگیر سلامتی مردم و بویژه کودکان و بزرگسالان، و نیز

آلودگی هوا برای همگان می‌شوند. هزینه‌هایی که باعث سرمایه‌گذاری در زمینه‌های کنترل آلودگی در جوامع انجام می‌شود معمولاً از منافع برآمده از آنها کمتر است. اما مثل معروف یک نخود پیشگیری بهتر از یک خروار درمان است، در این خصوص برای قبل و بعد از وقوع انواع آسیبها و آلودگیها مصداق پیدا می‌کند. کنترل و مهار آلودگی در سرچشمه، به کمک شیوه‌های اصلاحی و با جایجا کردن پاره‌ای یارانه‌ها بهتر و ارزاتر تمام می‌شود تا اینکه بعداً با سرمایه‌گذاری کلان جهت رفع آلودگی و جبران خسارات آنها انجام گیرد.

استفاده صحیح و درست از ذخایر و منابع طبیعی

نگرانی منطقی و بجا نسبت به سرنوشت انسان و محیط‌زیست و ذخایر کمیاب و نایاب آن را می‌توان با ازدیاد بازده آنها و یافتن راههای صحیح استفاده و بهره‌وری از آنها به صورتی پایدار و باثبات در نظر گرفت و جستجو نمود. برای مثال در بخشهایی از جنوب آسیا، اراضی بلند و ارتفاعات^{۲۰} را جهت کشت ذرت و دیگر فراورده‌های نشاسته‌ای می‌توان به کار گرفت

محیط‌زیست را رعایت کند، برای صنایع و اقتصاد کشور نیز مفید و سودآور بوده و بهره‌وری را افزایش دهد.

چه می‌توان کرد؟

اگرچه تجربه‌ها هنوز بسیار کم است، اما رویکردهای ابتکاری در شرق آسیا و در آمریکای لاتین، رشد اقتصادی مقرون به استفاده معقول و منطقی از ذخایر طبیعی را نوید می‌دهد. مثلاً، اتحادیه‌ای جهت حفاظت از محیط‌زیست و نیز سازمانی تحقیقاتی خاص برای همین منظور در کشور السالوادور جهت توسعه و پیشبرد اقدامات پیشگیرانه در محیط‌زیست شکل گرفته‌اند. اتحادیه، بنام اکو- اوکی^{۲۶} که به کشاورزان قهوه کمکه‌های اطلاعاتی لازم در تولید قهوه به روش مناسب و فراخور محیط‌زیست در

هدفها، چنانکه باید کارآمد نبوده است و از ضعف سازمانهای ذریبط و از جمله عدم تکافوی اعتبارات، و ابهام در حدود و ثغور قضایی و فقدان الزام در پیگیریها و پیگردها و سایر الزامات ساختار قضایی حکایت داشته است. با وجود این نمونه‌های نویدبخشی هم وجود داشته است.

هزینه‌های مالیات و عوارض بر مصرف منابع طبیعی- در کشورهای برزیل، کلمبیا و ونزوئلا بر قطع اشجار جنگل، بدون غرس و کاشت یا نشاندن اشجار جدید، با وضع مالیاتهایی، هزینه جنگل‌کاریهای مجدد را جبران کرده‌اند. نرخ مالیاتی از مبنایی پایین شروع می‌شود و بالا رفتن آن هم بسیار کند انجام می‌گیرد، لیکن به‌هرحال در مجموع از نظر اصولی، کاری درست و به‌جا بوده است.

مورد حمایت قرار می‌دهند. تعهدات مصرف‌کنندگان و امتیازات بهره‌برداری از ذخایر طبیعی قابل دادوستد^{۲۷} تجربیات حاصل از ضوابط و افزارهای مبتنی بر بازار، صرف‌نظر از موانع در تقویت آنها، از یک رشته سیاستها استفاده می‌کند که امکان عملی یافته و مذاکره پیرامون هر انتخاب را وسعت بخشیده است. در کشورهای شرق آسیا اهرمهای مهمی با جابه‌جایی و حذف یارانه‌های وضع شده بر گازوییل و سوخت دیزل و نفت سفید، پیشرفت چشمگیری حاصل شده است. در کشورهای آمریکای لاتین نمونه‌هایی از کاربرد اهرمها و افزارهای مالی مبتنی بر بازار را به شرحی که در جدول شماره ۱ آمده، می‌توان اشاره کرد. البته برخی از این ابزارها در برآوردن کامل

قراردادهای
تصدی
مشترک^{۲۸}

منطقه آمریکای مرکزی به‌لحاظ استحصال کرین از جنگلها به کمک پروژه‌های مشترک در وضع نسبتاً خوبی است. کشور کاستاریکا به تازگی چنین قراردادی با کشور نروژ منعقد ساخته است. پیشرفت در این قبیل قراردادهای تا حدود زیادی به وجود جو مساعد توافقهای

جدول شماره ۱- برنامه‌های حمایتی محیط‌زیست یا کاربرد اهرمهای مبتنی بر بازار در کشورهای منطقه آمریکای لاتین

کشورها	یارانه اعتباری	بخش‌دگر	طرحهای باز	عوارض و تعرفه	مالیات	جرایم بر	مالیات بر بهره‌ای	عوارض و مالیات	اجازت‌نامه‌های	رعایت سطح	تعهدات
		مالیات در عوارض	پرداخت سپرد	برزیاله و نظریات	جنگلها	الودکیها	ذخایر طبیعت	برای راهی فراهم	قابل خرید و فروش	قابل قبول	بیمه‌ای
باربادوس	✓	✓	✓	✓	✓						
بولیوی		✓	✓	✓	✓				*	✓	✓
برزیل	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓	✓
شیلی		✓	✓	✓	✓				✓	✓	
کلمبیا	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓			✓
اکوادور	✓	✓	✓	✓	✓		✓			✓	
جامایکا		✓	✓	✓		*					
مکزیک	✓		✓	✓	✓	✓		✓	*	✓	
پرو			✓	✓	✓						
ترینیداد و توباگو		✓	✓	✓	✓						
ونزوئلا		✓	✓	✓	✓						

✓ وجود دارد
* تحت اقدام است
مأخذ:
Richard M. Huber, Jack Ruitenbeek, and Ronaldo Seroa da Motta, 1996, "Market Based Instruments for Environmental Policymaking in Latin America and Caribbean". World Bank, Washington.

سیاستهای انتخابی^{۳۷} و اجرایی در تصدی عملیات زیست محیطی همچنان باقی باشد. اما سیاستهای موفقیت آمیز^{۳۸} (مثلاً کاهش یارانه انرژیها که به نفع فرایند مثبت در اقتصاد و در محیط زیست است) توسط سیاستگذاران^{۳۹} کار نسبتاً سهل و ساده و در عین حال ممتنعی است. از این رو پیش بردن چنین سیاستی نباید به اولویت در جداول مبدل گردد. اما در عین حال سرانجام عدهای بازنده و عدهای برنده از نتیجه تغییرات بیرون می آیند که از سیاستگذاران می خواهد اداره اصلاحات اقتصادی - سیاسی را در جامعه خود به دست گیرند تا آن را به بهترین وجهی اداره کنند.

البته انتخاب سیاستهای پردامنه و دنباله دار برای سیاستگذاران کاری سخت و دشوار است. گو اینکه از نتایج مثبت و سودمند آن همه جامعه منتفع و بهره مند می گردد (مثلاً سرمایه گذاریهای مالی در و بهزیستی کل جامعه و رفاه اجتماعی عاید می گردد). اما چنانچه برآیند منافع حاصل مدتی بعد به دست آید، به ویژه اگر منافع بلند مدت آتی با ابهامها و احتمالات فراوان نیز همراه باشند، در این صورت به مشکل و مسئله شدت وحدت بیشتری خواهد بخشید؛ و یا اگر پاره ای از منافع حاصل به سایر نواحی جهان نیز تسری پیدا کنند و سرازیر شود (مثلاً، بخشی از منافع حاصل به صورت تنوع زیست محیطی ناشی از حمایت از جنگلها

منجر شود که فراتر از مرز جغرافیای سیاسی کشورها باشد)، محدودیت بارمالی تصمیم را از آنچه هست باز هم مشکلتر خواهد ساخت، اگر چه دارای منافع اجتماعی زیادی هم باشد.

در سطح وزارتخانه ها، ضمن سیاستهای بنیادین اقتصادی^{۳۴} آشکار گردیده است. در برخی کشورها رویکردهای ابتکاری^{۳۵} در رویارویی با مسائل زیست محیطی مبرم هم اکنون شروع شده است.

جهت دادن به این رویکردها به این معنی است که انتخاب تصمیمها هنگام بحث و مذاکره پیرامون سیاستهای مالی - کلیدی، و تجاری - صنعتی باید بر سر میز دستور جلسات مذاکره قرار داده شوند. دخل و خرج چنین برنامه هایی اکنون بیشتر آشکار شده و مبنایی در انتخاب بهترین رویکردها را نیز فراهم ساخته است.

وارد ساختن مسئله محیط زیست در فرایند سیاستگذاریها می تواند به لحاظ رشد اقتصادی نتایج پس قویتری فراهم کرده و پایداری بیشتری در محیط زیست پدید آورد، بیش از آنچه علایق و سلیقه ها و یا امیال شخصی در این راستا به ظاهر کارساز افتد. راه ممکن در انجام چنین هدفهایی هم اینک پدید آمده است،

بسیاری از کشورهای در حال رشد هم اینک از تجارب مثبت و منفی کشورهای دیگر در رشد پرشتاب درسها آموخته اند که می توانند از این درسها و تجارب بهره فراوان برند.

و همواره از توسعه و انتشار آنها به طور روزافزون نیز منافع بیشتری حاصل خواهد گردید. اجمالاً، ترکیب آگاهیهای زیست محیطی ضمن برنامه های آموزشی و بویژه در اولین مراحل خود، و با تاثیر بر ارزشها و رفتارها

گاههای اصلی در جهت دهی به علایق و سلیقه ها زیست محیطی شمرده می شوند.

ابهامات و احتمالات^{۳۶} شاید پرسشهای زیادی درباره

بین المللی بستگی دارد. در عین حال فعالیتهای اولیه انجام گرفته چشمگیر بوده است.

مشارکتهای و تعهدات اجتماعی و محلی^{۲۹}

جایی که نهادهای ذیربط ضعیف و تقویت^{۳۰} آنها بسیار گران تمام شود، مشارکت بخش عمومی و تعهدات اجتماعی در تقویت

کاربرد پایدار از منابع^{۳۱} و تلفیق آنها با شرایط محل و نیازمندیهای توسعه می تواند بسیار موثر واقع شود. جوامع سنتی سالهاست این روشها را شناخته و مورد استفاده قرار می دهند. در حال حاضر این کار در تقویت اقتصاد بازار نیز بسیار سودمند شده است، چنانکه شواهدی از این سودمندی در کشور ژاپن و گروههای خارجی مقیم در این کشور دیده می شود که برای رسیدن به توافق رسمی بر سر میزان استخراج و استحصال از ذخایر طبیعی با موسسات ذیربط سرگرم مذاکره شده اند. در فاصله سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۱ میلادی تعداد این قبیل موافقتنامه ها از حدود ۲۰۰۰ قرارداد به ۳۷۰۰۰ قرارداد افزایش یافته است. و هرگاه برسر استانداردها نیز توافق گردد، به نحو موثری پی گرفته خواهد شد. این رویکرد هم به نفع دولت محلی و هم به نفع اهالی و نیز شرکتهاست.

جهت دهی به علایق و نگرانیهای زیست محیطی^{۳۲}

مهمترین رویکرد، جهت دهی به علایق و نگرانیهای زیست محیطی ضمن برنامه ها و سیاستهای ملی است. این بدان معناست که پیامدهای زیست محیطی^{۳۳} از اقدامات پی گرفته با وسایل مالی و مادی، یا با برنامه ریزی و نیز با اهرمهای زیست محیطی

- 6- Labor intensive
- 7- Property rights
- 8- Sanitation
- 9- Recycling
- 10- Deteriorated environmental quality
- 11- Large deforested areas
- 12- Soil degradation
- 13- Overfishing
- 14- Polluted waters
- 15- Underpriced resources
- 16- Unclear property rights
- 17- Coral-reef
- 18- Minamata
- 19- Bhopal
- 20- Uplands
- 21- Non-timber goods
- 22- Pollution taxes
- 23- Lower emissions
- 24- Property rights
- 25- Logging rights
- 26- "Eco-Ok"
- 27- User charges and tradeable resource rights
- 28- Joint implementation agreements
- 29- Participation and community involvement
- 30- Enforcement
- 31- Sustainable resource use
- 32- Mainstreaming environmental concerns
- 33- Environmental consequences
- 34- Co-economic policies
- 35- Ennovative approaches
- 36- Uncertainties
- 37- Policy choices
- 38- Win-win policies
- 39- Policy makers
۴۰. Brown areas اشاره به نواحی شهری که به خاطر آلودگیها رنگ تیره و قهوه‌ای از آنها دیده می‌شود.
- 41- Tough challenge

منبع

Finance & Development/June 1997.

تسلیم به همکار

آقای سید جواد حیدرزاده دار فانی را وداع گفته‌اند. برای خانواده محترم ایشان صبر و بردباری آرزو داریم.

حسابدار

معضلها و تضاد و اختلافات و دشواریهای قانونی، استفاده کرد لازم است. در عین حال که دشواریها همواره پدید آمده و می‌آیند و حتی در حال افزایشند، اما از آنها هم می‌توان بهره‌جست و سود برد. در عین حال شواهدی از تحمیل هزینه‌های بسیار گزاف در صورت عدم اتخاذ چنین تصمیماتی در حال افزایش و صعود است.

نتیجه

تجربه کشورهای با رشد پرشتاب قانون همه دشواریهاست. براساس این تجربه غالباً گفته می‌شود ابتدا باید این کشورها به رشد و توسعه دست یابند و سپس به پاکسازیهایی بعدی بپردازند و اقدام کنند. اما چنین نادیده گرفتن علنی و آشکار محیط‌زیست سبب بروز زیانهای جبران‌ناپذیر و هزینه‌های بسیار گران و گزاف در پاکسازیهایی بعدی است. تجارب کنونی و سیاستهای اگرچه محدود فعلی، باز هم حاکی از آن است که توسعه و رشد پایدار و نیز تقویت رقابتها در کنار هم و همزمان با هم، در حمایت و حراست از محیط‌زیست امری کاملاً ممکن و شدنی و بسیار منطقیتر است. بسیاری از کشورهای در حال رشد هم اینک از تجارب مثبت و منفی کشورهای دیگر در رشد پرشتاب درسها آموخته‌اند که می‌توانند از این درسها و تجارب بهره فراوان برند. چنانچه اکنون بتوانند تدابیر صحیح اقتصادی و زیست‌محیطی به کار گیرند، می‌توان انتظار داشت که در آینده دارای فضای سبز و حیات طبیعی مطمئن و حراست شده‌ای باشند.

پی‌نوشت

۱- هنگام تحریر این مقاله، دو کشور هنگ‌کنگ و تایوان از نظر جامعه بین‌المللی جزو کشور چین محسوب شده‌اند.

- 2- Biodiversity
- 3- Highly threatened
- 4- Highest Deforestation rates
- 5- Policy Fundamentals

درآمد بیشتر، نهایتاً به تقاضای فزونی‌تر برای محیط‌زیست و توسعه پایدار آن منجر می‌شود، و (بویژه در نواحی اصطلاحاً قهوه‌ای^{۴۰}) این سلسله رویدادها بخصوص در رابطه با ابعاد فضای سبز یا محیط‌زیست در مراحل نخستین توسعه و پیشرفت شدیدتر خواهد شد. همچنین پا گذاشتن در چنان مراحل غیرقابل قبولی متضمن تخریب و آسیبهای جبران‌ناپذیر، در تمام مجموعه تنوع زیست محیطی خواهد شد. به هر حال، حمایت از عرصه‌های مختلف "حیات سبز" طی دوره‌های رشد و توسعه پرشتاب همچنان آوردگاهی خطرناک^{۴۱} و مخاطره‌آمیز است.

شناخت ظرفیت قانونی و قانونمند کشورها در انجام و اجرا و تقویت تصمیم‌گیریهای بسیار دشوار، یکی از ملاحظات اساسی و کلیدی کارهاست. حتی بهترین راه حلها هم مستلزم پشتوانه‌ای از بازارهای با عملکرد مثبت ضمن رعایت موازین و حقوق مالکانه اشخاص و گروههای درگیر و ذینفع است. و در جایی که تضادها و اختلاف منافع زیادتر است، باید به کمک اقدامات اضافی در جهت بسیج و وحدت منافع اجتماعی و نیز خصوصی‌کوشیده شود (مثلاً از راه مالیاتها، سهمیه‌بندیها، و سرمایه‌گذاریها و غیره). و نیز هرگاه منافع حاصل از کشورها به صورت منفرد فراتر رود، باید با سیاستهای مالی و قانونی مناسبی فراسوی مرز کشورها عمل و چاره‌جویی گردد.

تصمیم‌گیری در این قبیل دو راهیها را باید کاملاً و بخوبی آموخت و پذیرفت. واضح است نخست باید اولویتها را تعیین کرد و سپس به محدودیتهای منابع و ذخایر توجه کرد و سرانجام مراحل منظم و سیستماتیک جهت کمک به انتخابهای دشوار شناخت. تجربه کافی از رویکردهای ابتکاری که بتوان از آنها در حل و فصل

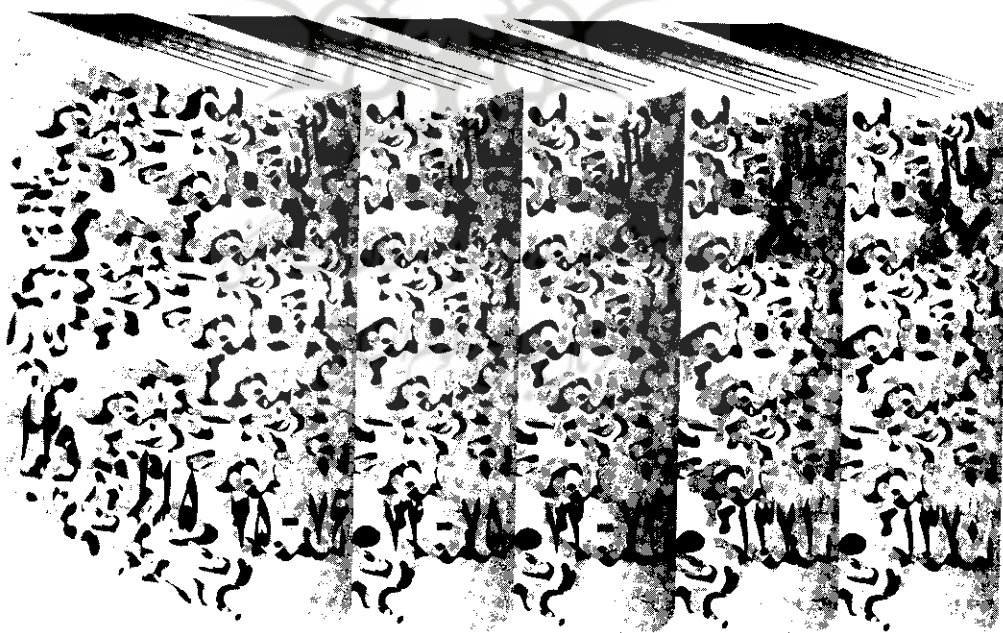
حسابدار

دوره های صحافی شده حسابدار

در پنج جلد (گالینگور - طلاکوب)

به شرح زیر آماده توزیع شده است :

سال هفتم از شماره ۷۳ تا شماره ۸۴ سال ۱۳۷۰
سال هشتم از شماره ۸۵ تا شماره ۹۶ سال ۱۳۷۱
سال نهم از شماره ۹۷ تا شماره ۱۰۸ سال ۷۲-۷۳
سال دهم از شماره ۱۰۹ تا شماره ۱۱۴ سال ۷۴-۷۵
سال یازدهم از شماره ۱۱۵ تا شماره ۱۲۰ سال ۷۵-۷۶



رنگ روی جلد کتابها : سرمه ای و خاکستری

متقاضیان می توانند جهت خرید و تحویل دوره های پنج جلدی با دفتر ماهنامه
تلفن : ۸۹۲۹۲۶ فاکس : ۸۸۹۹۷۲۲ تماس بگیرند.
یا مستقیماً به آدرس مجله (خیابان نجات الهی شماره ۱۵۲) مراجعه فرمایند.